



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مسد، ۵ ماه مبارک رمضان

### معرفی اجمالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (۲)

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳)

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴)

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (۵)

سوره مسد فضای تنیدی دارد به نوعی انذار گونه دارد. با بیانی شبیه نفرین شروع می‌شود.

قدرت اجرایی ابولہت نابود باد، یا می‌گوید توانمندی‌های ابولہت حتما از بین خواهد رفت.

ابولہب، عموی پیامبر(ص) و برادر ابوطالب(پدر امام علی) بوده است. ببینید دو برادر چقدر می‌توانند متفاوت باشند

دشمنی خودش را با پیامبر(ص) ابراز می‌کرده و با زنش او را اذیت می‌کردند و با دشمنان پیامبر(ص) همسو شده

بودند.

# فهم قرآن

مال و دارائیش و کارهایی که می‌کرد و چیزهایی را بدست آورد، بی‌نیازش نکرد.

دنبال یک غنایی برای خودش بوده که دشمنی اش هم بخاطر همان بوده است. چون انسان‌ها فکر می‌کنند که این چیزها بی‌نیازی می‌آورد فقط خداست که انسان را بی‌نیاز می‌کند.

لهت یا لهیب زبانه یا شعله آتش است. زیبا و خوشرو بوده اسمش را ابولهب گذاشته بودند. قرآن می‌گوید پدر شعله است. قرآن همان اسم خودش را به معنای منفی به کار برده است.

خودش و همسرش که حمل کننده هیزم است. گفته می‌شود که همسر ابولهب روی دوشش هیزم را می‌بسته می‌ریخته جلوی پای پیامبر(ص) که ایشان را آزار دهد. شعرهای زشت برای پیامبر(ص) می‌گفته است و اذیت‌های تبلیغاتی و فیزیکی انجام می‌داده است.

هیزم کش، یا معنی واقعی دارد یا آتش بیار معرکه است. هیزم کارهای ابولهب را می‌آورده است.

در گردنش طنابی از جنس لیف خرما که جنس خشن و نامطلوبی هست، دارد.

در این سوره مستقیماً به پیامبر(ص) اشاره نمی‌شود ولی می‌دانیم ابولهب و همسرش دشمن پیامبر(ص) هستند. اینها حرف حق را از پیامبر(ص) نمی‌شوند و دنبال منافعی هستند که بخاطر آن با پیامبر(ص) مبارزه می‌کنند. در سوره می‌گوید این کارهای نه تنها آن‌ها را به منافعشان نمی‌رساند بلکه آن‌ها را نابود می‌کند.

قوانینی در عالم هست اگر انسان‌ها در مسیر دستورات حرکت کنند سعادت ولی اگر مقابله کنند آسیب می‌بینند. قانون جاذبه را بشناسی خود را از بلندی نمی‌اندازی چون می‌دانی می‌افتی، اگر کسی آن را نپذیرد خودش آسیب می‌بیند. قوانین سر جای خودش است. حق جاریست. اگر آن را قبول کنیم بهره می‌بریم ولی اگر با آن مبارزه کنیم تا چیزی بدست آوریم آسیب می‌بینیم.

**چگونگی ارائه سوره برای بچه‌های دبستان**

# فهم قرآن

از سوره مسد بحث آسیب را مطرح می‌کنیم. سوره مسد به ما یاد می‌دهد قوانینی در

عالم هست که اگر ندانیم و رعایت نکنیم آسیب می‌بینیم، هر کس می‌خواهد باشد، معلم، والدین، دانش‌آموز و

همه

با بالاتر رفتن سن می‌توان با بچه‌ها مستقیماً این را مطرح کرد که چیزی که انسان را از آسیب مصون می‌کند

**"همراهی با پیامبر(ص) است و نپذیرفتن حرف‌های پیامبر(ص) باعث آسیب دیدگی می‌شود."**

از سوره مبارکه مسد به بچه‌ها یاد می‌دهیم که مراقب باشند در زندگی کارهایی که باعث آسیب می‌شود را انجام

ندهند و در بزرگتری بدانند که همراهی با پیامبر(ص) است که انسان را از آسیب دور می‌کند.

## تدبر در سوره

تبت از ریشه تباب است و تباب به معنی خسارت دیدن، آسیب دیدن، ضرر کردن، خسارت و آسیبی که ادامه دار

است تا هلاکت انسان پیش می‌رود.

یدا به معنی دو دست است و ن یدان حذف شده است. دست نشان دهنده قدرت اجرایی است. در قرآن دست،

توان اقدام و توان انجام عمل است. یدالله منظور قدرت اجرایی و توان خداست که تفوق دارد.

ابولهب ثروتمند بوده و بنی هاشمی بوده پدرش عبدالمطلب بوده که بزرگ قریش بوده است. برای انجام کارهای

مختلف زورش زیاد بوده است.

تبت دعایی است و تب دوم به خود ابولهب بر می‌گردد یعنی هم دستانش نابود باد و هم خودش.

نابود شدن و دستان منجر به هلاکت شدن ابولهب است.

# فهم قرآن

کسی با نامی در قرآن می‌آید منظور مشخصی دارد وقتی در قرآن می‌گوید: محمد

منظور خاصی مدنظر است، رسول، نبی، انت و... هر کدام منظور خاصی مدنظر است. حضرت یونس یک جاهایی ذالنون، صاحب الحوت و... این تمایزها معنا دارد.

ابی لهب، درست است که به آن معروف بوده ولی خدا چیزی را از این لفظ مدنظر دارد. به معنای پدر شعله است، کسی که آتش روشن می‌کند. یک نقش ایجاد هیجان‌ات کاذب در جامعه داشته است.

در آیه دوم به مال و ما کسب ابو لهب اشاره می‌کند.

مال، دارایی است. چیزهایی که هر کس فکر می‌کند جمع کرده و مال خودش هست.

ما کسب دارایی‌هایی که دارد کسب می‌کند. است ولی آنچه که بدست آورد معنا می‌دهد بیشتر تمرکز روی کار و توانایی است. دارایی‌هایی، تلاش‌هایی که برای بدست آوردن چیزی می‌کند، یا برای بدست آوردن مال یا برای شأن اجتماعی... بسته به مقصدی که هرکس دارد کارهایی انجام می‌دهد که ماکسب است.

خدا می‌فرماید مال و ما کسب ابولهب هیچ کدام از نیازهای او را برطرف نکرد.

سیصلی یعنی وارد می‌شود، بسیاری از افراد کافر الان هم در آتش هستند ولی متوجه نیستند. ورود به آتش یکی به معنای ورود به جهنم است و دیگری دچار سختی و سوختن شدن در اینجا. آدم‌ها نمی‌دانند کارهای خودشان برایشان تولید عذاب کرده است.

آتشی که ذاتش لهیب و شعله است. به زودی به همراه همسرش وارد چنین آتشی می‌شود.

واو همراهی را نشان می‌دهد. همسرش او را همراهی می‌کند، امر آتش هست.

در روایت گفته شده همسرش خار جلوی پای پیامبر(ص) می‌ریخته و یا هیزم کارهای شوهرش را تامین می‌کرده است. وارد آتش می‌شود درحالی‌که حمل است، بسیار حمل کننده است.

# فهم قرآن

حطب به معنی چوب خشک است که مناسب سوختن است.

مقدماتی که فراهم کرده است برای اینکه دیگری را آزار دهد موجب آزار خودش می‌شود.

آیه آخر جالب است. سه کلمه اصلی دارد: جید، حبل، مسد.

جید و مسد فقط همین یک بار از این ریشه در قرآن استفاده شده است و حبل هم در قرآن کم تکرار است. این

موضوع آیه را خاص می‌کند چون از کلمات خاص در آن استفاده شده، پس نکته ویژه‌ای دارد.

جید به معنای جلوی گردن است. کلمات دیگر هم در قرآن برای گردن داریم مانند رقبه، عنق و... جید، جنبه

جلوه و زیبایی‌اش بیشتر است. کارکرد حبل و ریسمان هم معلوم است، می‌تواند چیزهایی را بهم ببندد و متصل

کند یا چیزی را محکم کند.

مسد به معنی ریسمان از جنس لیف و برگ خرماست جنس ریسمان مهم شده‌است. نخل، برگ و خوشه‌هایی

دارد. چیزی به اسم لیف دارد که آویخته می‌شود. هم برگ و هم لیفش ضمخت است حتی ممکن است دست را

ببرد. به نظر می‌رسد که انگار تناقضی را دارد نشان می‌دهد. خانمی که جلوه‌های زیبایی دارد و در گردنش طنابی

از لیف با جنس زبر است. انگار عملکرد این آدم جوروی است که این تناقض را ایجاد کرده است. اگر بلد بوده شعر

بگوید می‌توانسته در مسیر حق مطرح کند ولی با بدجنسی در مسیر غیر حق خرج کرده و باعث عذابش شده

است.

**سوال:** فرموده بودید خداوند غضب نداره بلکه وضعیت ما تغییر می‌کند اینجا خداوند فعل داره یعنی لعنت می‌کند

لطفا توضیح دهید؟

افعال خداوند مربوط به قوانین عالم است. در یکی از سوره‌های طووسین، فکر کنم سوره نمل، در دوجای سوره در

مورد زینت اعمال گفته شده است. در ابتدای سوره گفته کسانی که به آخرت ایمان ندارد، خدا اعمالشان را زینت

می‌کند. زینت اعمال اتفاق بدی است، تزیین عمل این است که کسی که ملاک و معیار ندارد تا اعمالش را با آن

# فهم قرآن

بسنجد، انرا با کارهای خودش می‌سنجد. یعنی ملاکش اعمال خودش است. اول سوره

گفته این کار را خدا می‌کند. در جای دیگر گفته شیطان اینکار را می‌کند. کلا تزیین اعمال کار شیطان است، شیطان می‌آید اعمال را زینت می‌دهد و فکر می‌کند کاری که خودت می‌کنی درست است. جایی که می‌گوید خدا عمل را زینت می‌کند به این معنی است که قانون عالم این است که اگر کسی به آخرت ایمان ندارد قانونش این است که عملش تزیین می‌شود ولی این کار را شیطان انجام می‌دهد.

به طور کلی ما خدا را وقتی مثل خود می‌دانیم. مثل کسی نیست، لیس کمثله شی، کفو ندارد. نباید با چیزی مقایسه شود. ما خدا را مثل خودمان فرض می‌کنیم. فعل و غضب او را مثل خودمان فرض می‌کنیم. آیه ۱ را می‌گوییم نفرین ولی فعل ماضی است. داستان ابولهب دچار تباب شد. ظاهر کلام خبری است ولی در ادبیات می‌گوییم نفرین است. نفرین خدا یعنی این نوع عملکرد، فرد را دچار این وضعیت می‌کند. توانایی اجرایی اش او را به هلاکت می‌اندازد.

**سوال:** لطفا آیه ۲ و ۳ را دوباره توضیح دهید.

آیه ۲: ابولهب، دارایی‌ها و تلاشهایش برای کسب چیزهایی مثل مال و موقعیت اجتماعی و قدرت بوده است که اینها را به قصد بی‌نیاز شدنش انجام می‌داده ولی خدا می‌گوید او به خواسته اش نمی‌رسد و بالعکس خودش را دچار عذاب می‌کند.

نار ذات لهب هم معنای جهنم می‌دهد و هم اینکه او خودش را بیشتر با این کارش اذیت می‌کند.

**سوال:** چرا برای ابولهب سوره نازل شده است نه دشمنان دیگر؟

دقیق نمی‌دانم ولی خدا یک جاهایی منظوره‌های خاصی دارد مثلا در سوره قریش در مورد قبیله قریش صحبت شده نه قبیله دیگر. شاید هیچ دشمنی به اندازه ابو لهب به پیامبر نزدیک نبوده او عموی پیامبر(ص) بوده و قرابت داشته است. حتی اگر فامیل پیامبر(ص) هم باشی، این عملکرد تو را دچار آسیب می‌کند. در هدف تربیتی از این



موضوع استفاده کردیم فرقی ندارد دشمن پیامبر(ص) کی باشد، هرکس خود را در معرض آسیب قرار دهد آسیب می‌بیند.

## اهداف تربیتی

### پایه اول

بدانند آسیب وجود دارد و هرکس رعایت نکند و در معرض آسیب قرار بگیرد آسیب می‌بیند. فرقی ندارد چه کسی باشد پدر و مادر یا معلم و .... توقع داریم از بچه کلاس اول که بداند "آسیب وجود دارد و تمایل داشته باشد که آسیب نبیند." و توقع نداریم که خود را از آسیب دور کنند بلکه ابراز برائت از آسیب بکند. در فضای شاد ابراز کنند که آسیب را دوست ندارند.

همخوانی و تکخوانی سوره بهترین قالب آموزش سوره است و بعد بازی. وقتی بازی می‌کنند موضوع برایشان جا می‌افتد. بازی‌های که در آن ابراز برائت از آسیب است.

### پایه دوم

اول باید بدانند آسیب وجود دارد و هرکس رعایت و در معرض آسیب قرار بگیرد، آسیب می‌بیند. به طور خاص در پایه دوم باید "انواع آسیب‌ها را ببیند و با آن آشنا شود" مثلاً هر کس دست به آتش بزند، می‌سوزد و یا هر کس غذای مسموم بخورد مریض می‌شود و....

بعضی آسیب‌ها جسمی است مثل مریض شدن یا سرما خوردن و برخی آسیب‌ها روحی هستند مثلاً هرکس گریه الکی کند به خودش خوش نمی‌گذرد و ناراحت باشد و یا هرکس که در بازی با دوستش دعوا کند از بازی لذت نمی‌برد و بدانند اگر می‌خواهند آسیب نبینند باید از بزرگترهای آگاه تبعیت داشته باشند تا بتوانند خود را از آسیب دور کنند.

# فهم قرآن

## پایه سوم

اگر اولین بار است که در مورد سوره مسد صحبت می‌کنیم باید نکات مربوط به پایه‌های قبل را به آن‌ها بگوییم. و به طور خاص برای این پایه "با یک آسیب واقعی در حد سن خود مواجه شوند و سعی کنند آن را از خود دور کنند."

یعنی کار عملیانی توقع می‌رود و در این سن می‌توان کمی با آن‌ها گفتگو کرد ولی همچنان بازی کردن غالب مناسبی است و می‌توان نصف کلاس را به بازی اختصاص داد ولی باید حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد کلاس را اختصاص دهیم به این که با بچه‌ها گفتگو کرد و بگوییم که سوره مسد به ما یاد داده که خود را در موقعیت‌های مختلف از آسیب حفظ کنیم و این را باید تمرین کنند حداقل با یک آسیب در زندگی مواجه شوند و باید با حرف شنوی از بزرگترها خود را از آسیب دور کنند.

## پایه چهارم

در این پایه درک انتزاعی دارند و می‌توانیم مستقیماً بحث را به پیامبر(ص) ارتباط دهیم. اگر اولین بار است که سوره مسد گفته می‌شود به مباحث پایه‌های قبل اشاره می‌کنیم و می‌گوییم که آسیب هست، تنوع آسیب وجود دارد، مصداقی هم آن‌را می‌گوییم تا بتوانند خود را حفظ کنند. ولی می‌فهمند که برخی آسیب‌ها هستند انسان را از پیامبر دور می‌کند.

حس خوبی به پیامبر(ص) داشته باشند و ایشان را عاشقانه دوست داشته باشند و دور شدن از پیامبر(ص) را آسیب بزرگی بشناسند. آسیب‌ها را از این ناحیه که آن‌ها را از پیامبر(ص) دور می‌کند، بینند.

"جوری برنامه ریزی کنند که اجازه این آسیب‌ها را ندهند و کاری کنند از پیامبر(ص) و بزرگان و خوبان عالم دور نشوند."



اگر اولین بار است که سوره مسد را می‌گوییم نکات پایه‌های قبل گفته شود و بدانند آن چیزی که می‌تواند آن‌ها را از آسیب دور کند، پیامبر(ص) و حرف‌های ایشان است. مشخصاً در این پایه "آسیب‌هایی را بشناسند که در روابط اجتماعی و رابطه با دیگران آن‌ها را از پیامبر(ص) دور می‌کند" مثلاً نامهربانی با دیگران همانطور که از دیگران دور می‌شوند، از پیامبر(ص) هم فاصله می‌گیرند و هرچه مهربانتر باشند به پیامبر(ص) هم نزدیک‌تر می‌شوند. اگر پیامبر(ص) را دوست داشته باشند و روابط با پیامبر(ص) برایشان مهم باشد، این را می‌گوییم هرچه با دیگران خوبتر باشیم، به پیامبر(ص) هم نزدیکتر و صمیمی‌تر می‌شویم. لازم است در این پایه به برکت سوره مسد بچه‌ها مهربان‌تر و با گذشت‌تر شوند.

## پایه ششم

اگر اولین بار است که سوره مسد را می‌گوییم، لازم است سیر مطالب گفته شود اگر ظرفیت وجود دارد که تا پایان سیر را طی کنند، که بسیار خوب است ولی اگر این ظرفیت نیست تا هر جا که این ظرفیت وجود دارد، آموزش داده می‌شود.

بدانند نزدیک شدن به پیامبر(ص) مهم است هم به خاطر شخصیت والای ایشان و هم به خاطر اینکه از آسیب دور می‌شویم. کارهای خوب انسان را به پیامبر نزدیک می‌کند.

اگر بچه‌ها ظرفیت دارند در این پایه باید "مشتاق باشند کارهایی کارهای خوشحال کننده پیامبر(ص) را در قالب گروه و با مسئولیت خودشان بیشتر انجام دهند و در جامعه کوچک خود آن را گسترش دهند."

**سوال:** عاشقانه دوست داشتن پیامبر رو چطور به بچه‌ها آموزش بدهیم؟

## فهم قرآن

بیشتر جنبه القایی دارد. جنبه انگیزشی‌اش مهم است. قصه‌ای را با حس خوب و

هیجان تعریف کنیم. در مورد خوبی‌های پیامبر(ص) و نقش ایشان در زندگی در حد سنشان بگوییم. محبت به پیامبر(ص) ذاتی است و در وجود افراد هست باید آن را زنده کنیم. اگر معلم عشق به پیامبر(ص) داشته باشد به راحتی می‌تواند آن را منتقل کند.

**سوال:** در منزل به عنوان مادر از چه مصداق‌ها و فعالیت‌هایی می‌توانیم استفاده کنیم؟

بستگی به سن بچه دارد اگر سن پایین است مثلا به چیزی دست بزنی ممکن است بسوزی و دستت را ببری و می‌گوییم بزرگترهایی هستند که می‌دانند چیزی برای انسان خطرناک است و انسان باید به حرفشان گوش دهد. در پایه چهارم به بالا مستقیم اسم پیامبر(ص) را می‌آوریم. خیلی از فعالیتها را به تأسی از پیامبر(ص) انجام دهیم مثلا مسواک را به عنوان سنت پیامبر(ص) مطرح کنیم. چون اولین بار ایشان آنرا مطرح کردند.

در گلستان داستانی هست که فردی که دندان نداشت مسواک می‌زد. به او می‌گویند تو که دندان نداری چرا مسواک می‌زنی می‌گوید می‌خواهم شبیه پیامبر(ص) باشم. در روز جمعه با آدابش ناخن بگیریم و دعای آن را بخوانیم و بگوییم این کار را پیامبر(ص) انجام می‌دادند. در پایه چهارم به بعد می‌توانیم بگوییم اگر ما خود را به پیامبر(ص) نزدیک کنیم از آسیب دور می‌شویم.

**سوال:** مصداقی تر بفرمایید؟

سوختن، بریدن، سرما خوردن نمونه ای از آسیب هاست.

دوم به بعد، اگر در بازی بد اخلاقی کنی، خوش نمی‌گذرد و هم به خودش هم به دوستانشان آسیب می‌زنند.

ناراحت شدن و خراب شدن بازی هم یک آسیب است.

# فهم و آسان

**سوال:** بهتر نبود روی این باشد که دسته جمعی و گروهی به دنبال شناساندن راه‌های برطرف کردن آسیب‌هایی که در معرض دانش آموزان و دیگران هست باشد؟

این هم خوب است ولی از آسیب‌های ساده شروع کردیم و اول مادی و بعد غیر مادی مثل ناراحت شدن و بعد به پیامبر(ص) ربط دادیم. در چهارم و پنجم در مورد نزدیک شدن به پیامبر(ص) گفتیم و در ششم می‌خواهیم کاری کنیم که دوستانمان را از آسیب دور کنیم ولی همین کار را با توسعه کارهایی که پیامبر(ص) را خشنود می‌کند و آن‌ها را از آسیب دور می‌کند، انجام می‌دهیم.

**سوال:** چرا پایه ششم از موضوع آسیب به سمت کارهای خوبی که نزدیک کننده به پیامبر هست اشاره می‌شود؟  
در سوال قبل پاسخ داده شد.

**سوال:** لطفا برای آسیب دیدن در کلاس برای پایه سوم مثال برنید.

به عنوان مثال مواظب باشند از چیزهایی که آسیب می‌زند دوری کنند مثلا بلد باشد با دستگیره به چیز داغ دست بزند. وسایل را جوری نگه دارد که گم نشود. جوری رفتار کند که خودش و دیگران ناراحت نشوند، بخصوص خودش به خودش خوش بگذرد. بچه‌های کوچکتر کاری که می‌کنند خودشان بیشتر ناراحت می‌شوند. بزرگترها باید مراقب باشند و جلوی آن را بگیرند مثلا با مادرش بداخلاقی می‌کند مادر هم رفتار تند می‌کند و او بداخلاقی اش بیشتر می‌شود و این چرخه ادامه می‌یابد. مادر باید حواسش باشد و آنرا نگذارد ادامه بیابد.

از بچه‌های کلاس سوم می‌توان توقع داشت که خودشان جلو این چرخه را بگیرند و یک مورد را در خود عملیاتی کنند.

در پایه سوم بگوید با این آسیب مواجه شدم و از سوره مسد یاد گرفتم از آن دوری کنم. پایه ۳ می‌رود به سمت مصداق و نمونه عینی.

## فهم و آسان

**سوال:** به بچه می‌گوییم مهربان باش تا آسیب نبینی و توقع دارد که دوستش با او مهربان باشد ولی دوستش او را اذیت می‌کند باید چه کرد؟

به سن مرتبط است. در اول و دوم بلد نیستند سازگاری کند. ارتباط با دیگران برای پنجم به بعد بوده تازه اگر به حدش رسیده باشند. این باوری است که کلی است: آدمها باید یاد بگیرند خودشان به تنهایی مشکل خودشان را حل کنند. اگر دیگران اذیتم بکنند، اگر رشد کرده باشم، اذیت نمی‌شوم. آدم باید آنقدر رشد کند که هر کس هر کار کرد اذیت نشود. این حرف را باید در سطحی به بچه‌ها یاد داد. به طور کلی برای بچه‌های کلاس پنجم به بالا باید یاد دهیم که با رفتارهای خودشان جلوی اذیت دیگران را بگیرند مثلا با یک رفتار خوب و منطقی از دوستشان فاصله بگیرند. اگر نمی‌شود با دوستی کنار آمد، می‌تواند با او دوستی نکند.

بزرگترها هم باید کمک کنند، سن هم مهم است.

**سوال:** مصداق برای آسیب‌هایی که مخصوص بچه‌های پایه ی اول است. که بتوانیم براشون مثال بزنینم.

برای پایه اول روی مصداق خیلی نمی‌رویم. بدانند آسیب هست و مثال‌هایی هم وجود دارد مثلا اگر دوستت را هل بدهی، می‌افتد، به آتش دست بزنی می‌سوزی و بفهمد آسیب برای همه آسیب است چه برای من چه برای خانم معلم و آسیب را دوست نداشته باشند و ابراز برائت از آسیب داشته باشند. مرگ بر آسیب بگویند. در این سن توقع هم نداریم که حرف گوش کنند تا از آسیب دور شوند.

**سوال:** ممکنه آسیب‌هایی برای سنی آسیب باشد و برای سنی خیر؟

چیزهایی را آسیب مطرح کنیم که حقیقتا آسیب هست نه چیزهایی که مثلا مادر دوست ندارد. آسیب سوره مسد، حقیقی است. صحبت کردن در کلاس را نمی‌شود آسیب مطرح کرد. چیزی که واقعا آسیب باشد. ممکنه درس گوش نکردن هم آسیب حقیقی نباشد و به رشدشان هم کمک کند. مصداقی چیزی مدنظر نیست برای سوال. آسیب نقطه‌ای نیست که بگوییم این آسیب است. هر آسیبی محدود مشخص تعریفی دارد. مثلا نمی‌توان گفت

# فهم قرآن

دست زدن به وسیله تیز آسیب است بلکه محدوده دارد نیاز به استفاده از وسیله تیز

را داشته باشی و بلد نباشی کنترل کنی و دست بزنی آسیب است. حرف دقیق این است: دست زدن به چاقو آسیب نیست اگر توان کنترل آن را نداری آسیب است وگرنه آسیب نیست. اگر آسیب را با دایره اطرافش در نظر بگیریم به سن مربوط نیست.

**سوال:** در مورد حفظ قرآن و اینکه ضرورت دارد و چقدر باید به آن پردازیم لطفا توضیح دهید.

حفظ قرآن مستقیماً با فهم قرآن مرتبط نیست ولی مفید است. در فهم قرآن توصیه ما این است که بچه‌ها بدون هیچ تکلفی به واسطه تکرار و شنیدن و علاقه‌مند شدن به سوره و تصویر دار شدن از سوره حفظ می‌کنند مثلاً از سوره مسد به یاد دوری از آسیب می‌افتند و بارها در فضای شاد خوانده‌اند و تکرار شده است و حفظ می‌شوند.

**سوال:** باتوجه به اینکه سن تکلیف دختر و پسر یعنی سنی که مسئولیت اعمال بر عهده شون قرار می‌گیره متفاوت است آیا بیان سوره‌ها برای دختر و پسرها یکسان است؟

از نظر بیان سوره تفاوتی ندارد. برای دختران که در سال سوم به تکلیف می‌رسند، حجاب و نماز را مطرح کنیم. برای پسر بچه‌ها هم می‌شود بیان کرد ولی نه به عنوان واجب بلکه چون کار خوبی هست انجام دهیم چون باید از ۷ سالگی دعوت به نماز کرد. خوب است از آن‌ها خواسته شود نماز بخوانند و دختر، پسر هم ندارد. دخترها ۹ سالگی در همه ابعاد تکلیف نمی‌شوند. یک بخشی از تکالیف بر آن‌ها واجب می‌شود. آن بخشها که دخترها مکلف می‌شوند، به پسرها هم قابل توصیه است.

**سوال:** روخوانی قرآن هم در دبستان موضوعیت داره؟ برنامه چه باید باشد؟ چه قدر باید روی آن تاکید داشت؟

هم حفظ قرآن، هم روخوانی قرآن در فهم قرآن از زاویه ای مورد توجه است ولی نه آنچه متعارف است. تجربه معلمین فهم قرآن این است که بچه‌ها به واسطه فهم قرآن بهتر قرآن را حفظ می‌کنند. در فهم قرآن بالعکس شیوه متداول است که با روخوانی شروع می‌کنند. در اینجا اول روی مفاهیم کار می‌کنیم و در آخر روخوانی است.

# فهم قرآن

در سیره اهل بیت هم روخوانی آخر بوده است. آموزش فهم قرآن شفاهی است، مفهوم

را می‌فهمند، و سوره را تکرار می‌کنند. بواسطه خواندن سوره، آنرا حفظ می‌شوند بعدا آن سوره که حفظ شده اند را از روی قرآن می‌خوانند و بعد قواعد خواندن را یاد می‌گیرند.

صحیح خوانی مهم است ولی نباید به تکلف بیافتند. بچه‌ها در سال اول که خواندن یاد می‌گیرند، متن سوره را می‌شود به آن‌ها نشان داد. اگر تلفظ را اشتباه می‌گوید، نوشته آن را نشان می‌دهیم و می‌گوییم این است. مفهوم را می‌دانند، با نشاط می‌خوانند و تکرار می‌کنند. از روی قرآن که می‌خوانند می‌پرسند چرا این را اینگونه می‌خوانند؟ یا چرا این حرف را نمی‌خوانند؟ به این ترتیب قواعد را بعد از خواندن قرآن یادشان می‌دهیم. این خیلی بیشتر جواب می‌دهد. بچه‌ها سوره‌ای را که دوست دارند، دوست دارند از رویش بخوانند.

به طور کلی در آموزش تا اشتیاق و علاقه نباشد، آموزش صورت نمی‌گیرد. باکراه آموزش صورت نمی‌گیرد.

وقتی قرآن را دوست دارند حفظ می‌شوند و از رویش می‌خوانند و قواعدش را یاد می‌گیرند.

**سوال:** آیا برای آموزش فهم قرآن حتما باید معلم قرآن باشیم؟

لازم نیست معلم قرآن باشیم. جواریست که برای همه زمان‌ها در نظر گرفته شده است. یک کتاب فهم قرآن در دبستان و دبیرستان داریم که می‌توانید مطالعه کنیم. فهم قرآن جوری طراحی شده است که تنوع اجرا دارد یعنی هم می‌توان در زمان محدود و هم زمان مبسوط اجرا کرد. مثلا اگر معلم پایه هستیم اگر بتوانم با معلم قرآن هماهنگ باشم که خیلی خوب است. ولی اگر نمی‌شود، خودم هر سه چهار هفته از ماه را به یک سوره اختصاص می‌دهم و می‌گوییم مهمان این سوره هستیم. بعد اسم آن سوره را با یک کاردستی به دیوار نصب می‌کنم و مثلا هر کلمه از متن سوره را بچه‌ها می‌نویسند و مثل پازل کنار هم بچسبانند و در نهایت سوره با خطهای مختلف بچه‌ها نوشته می‌شود. به طور کلی بچه‌ها باید حضور سوره را در کلاس ببینند. در زمان خوبی این سوره را می‌خوانیم، در این سه هفته مثلا صبحگاهشان یا در یک زمان بهتر و جذاب‌تر سوره را می‌خوانیم یا وقتی سوره

# فهم قرآن

خوانده می شود بچه ها بدانند می خواهیم کار جذابی انجام دهیم. روزی یکبار سوره را

می خوانیم و به پیامش هم اشاره می کنیم و در دروس مختلف که آسیبها مطرح می شود، به سوره مسد اشاره می کنیم. به خلاقیت معلم در جاهای مختلف از پیام سوره استفاده می کنیم. بچه ها بدانند مهمان سوره مسد هستند و بفهمند اینها که یاد می گیرند از سوره مسد است. اقتضائات سنی و اهداف پایه ها هم رعایت می کنیم.

پایه اول: مواجهه با مسائل مختلف و ابرازهای شاد داشتن

پایه دوم: دیدن تنوع و تمایز

پایه سوم: تحلیل موضوع و کار عملی کردن و باید و نبایدها را در عمل بشناسند.

پایه چهارم: اولویت بندی و برنامه ریزی داشته باشند.

پایه پنجم: تعامل خوب با دیگران و میل و رغبت به کارهای خوب در آنها زیاد شود.

پایه ششم: گسترش کارهای خوب با تعامل و همفکری باهم

اگر معلمی بسیار محدود با بچه ها در تماس بود مثلا فقط معلم ریاضی بچه ها بود می تواند محدودتر عمل کند و فقط روخوانی و گفتن مفهوم سوره و اشاره در زمانی که مثلا کسی کار خطرناکی می کند مثلا مداد را سمت چشم می برد می توان به سوره مسد اشاره کرد. هرچه بیشتر بهتر.

**سوال:** آیا می توان نداشتن حجاب و نماز را برای دخترهای کلاس سوم به عنوان آسیب مطرح کنیم؟

به معلم بستگی دارد. این آسیب هست ولی شاید برای بچه سومی به آن معنا نباشد. یک فرصتی باید بدهیم خودشان را پیدا کنند و عقلشان شکوفا شود. اگر معلم بتواند مطلب را درست منتقل کرد و مطلب را به آنها بقبولاند و باعث ترسشان نشود، این موضوع را با یک القای خوب می توان گفت.

**دو نکته مهم:**

# فهم قرآن

وقتی آسیب را به بچه ها معرفی می‌کنیم باید دقت کنیم باعث ترس نشود. بیزاری

پیدا بکند و مراقبت هم بکند ولی نترسد. نباید جوری آسیب را مطرح کرد که به خاطر آن مثلا خواب بد نبیند.

نکته دیگر اینکه آسیب را مستقیم نباید نشان داد. در سن دبستان حسادت در بچه ها به معنی آنچه ما می‌گوییم فعال نیست. اگر بگوییم حسادت بد است در واقع داریم بهش حسادت را یاد می‌دهیم. باید آسیب را غیر مستقیم بگوییم و در مورد نجات از آسیب مستقیم صحبت کنیم. مثلا قصه کسی را می‌گوییم که از آسیب نجات پیدا کرده است. آسیب نباید جوری بیان شود که جذاب و خنده دار باشد. باید نفرت انگیز و دوست نداشتنی مطرح شود تا حس برائت ایجاد کند. ولی نباید ترسناک جلوه دهیم.

**سوال:** آیا برای بچه های دبستانی، کلاس قرائت قرآن خوب است مثلا جزیهای آخر قرآن که در کتاب درسی هست؟

اگر کلاس قرائت قرآن برای بچه ها جذاب باشد و دوست داشته باشند خوب است و می‌توانیم در کلاس به مفهوم سوره هم اشاره کنیم. شکل آموزش نباید صرف دادن اطلاعات باشد، باید جنبه عملی و رفتاری داشته باشد. تو که قرآن خواندی باید اینکارها را بکنی. پیامبر(ص) قرآن را دوست دارد پس ما قرآن می‌خوانیم. مثلا این سوره کوثر است، سوره مسد است.

ممکنه خود موضوع جذابیت نداشته باشد مسائل جانبی جذاب باشه اشکال ندارد ولی یواش یواش آن‌ها را به اصل موضوع منتقل کنیم.

**سوال:** ترجمه سوره را برای بچه‌ها بگوییم؟

ترجمه برای بچه‌های دبستانی هیچ جنبه آموزشی ندارد و چیزی از آن یاد نمی‌گیرند. متن قرآن برایشان مفید است. برای پایه‌های پایین‌تر ممکن است آسیب زننده هم باشد. اینکه ترجمه را هم حفظ کنند و بگویند چیزی را نشان نمی‌دهد. یادگیری این است که در رفتار و زندگی من اثرگذار باشد.

اللهم صل علی محمد وال محمد و عجل فرجهم